



شکست سیاست‌گذاری جهانی در بهبود شرایط زیست‌محیطی

ناتوانی سیاست‌گذاران ارشد جهانی از مقابله و کنترل چالش‌ها و بحران‌هایی مانند کروناویروس و تغییرات اقلیمی شدید کنونی که به شورش، آشوب و انقلاب اقلیمی گرایش دارند را می‌توان جلوه‌ای از برگشت بشریت از قله پیشرفت و توسعه به سوی دره‌های تاریک تاریخ زندگی بشریت دانست.

بسیاری از نظریه‌پردازان علوم سیاسی همواره از جمله نظم نوین جهانی برای دوره‌های جدید تحولات و مناسبات سیاسی جهانی که خود پیامد تغییرات سیاسی و اجتماعی بزرگ و فراگیر جهانی و منطقه‌ای هستند، بهره برده‌اند. نظم نوین جهانی طی یکصد سال اخیر برای تحولاتی فراگیر و بزرگ در نظام جهانی مانند: جنگ اول جهانی، جنگ دوم جهانی، نظام دو قطبی جنگ سرد، فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و جهان آمریکایی، ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و ... مورد استفاده قرار گرفته است که بیشتر جنبه مطلق سیاسی، نظامی و تاحدودی اجتماعی داشته‌اند.

سیاست‌گذاران ارشد جهانی که در انجمن‌ها، محافل یا قدرت‌های بزرگ جهانی به ترسیم و تدوین سیاست‌های جهانی و آینده بشر مشغول بوده و هستند، طی چند دهه اخیر بیشتر بر مؤلفه‌های قدرت‌سازی در حوزه نظامی و اقتصادی تکیه نموده و سیاست‌گذاری آنان نیز معطوف به حفظ یا برسازی نظم‌های نوین جهانی بر پایه قدرت نظامی و اقتصادی بوده است.

جهان سیاست‌گذاری عمومی که اغلب در سیطره قدرت‌های بزرگ به‌خصوص ایالات متحده آمریکا بوده است، جلوه‌ای از نظم نوین جهانی را ارائه داده که بر جهانی شدن یا جهانی سازی سیاست‌گذاری یک طیف خاص از حاکمان و حکمرانی‌های سامانمند و قدرتمند جهانی استوار بوده است. در چنین فرآیندی است که سیاست‌گذاری جهانی دارای اساس و چارچوب‌ها یا همان استانداردهای غربی به‌ویژه آمریکایی شده است.

نظم نوین جهانی، الزامی به نوین و جدید بودن ندارند و شاید به نوعی بازگشت یا احیای وضعیت پیشین و قدیمی‌تر نیز منجر گردد. همان‌گونه که فرید زکریا در کتاب خود جهان پسا‌آمریکایی در مورد نوع نظم نوین جهانی مورد نظر جرج بوش پدر در دهه ۱۹۹۰ می‌نویسد: منظور او [جرج بوش پدر] صریحاً گسترش جهان کهنه غربی در سراسر جهان بود. بنابراین نظم نوین جهانی در دهه دوم قرن بیست و یکم که بر پایه تغییرات آب و هوایی یا همان آشوب و انقلاب اقلیمی استوار است نیز را می‌توان نوعی بازگشت به نظم یا بی‌نظمی سده‌های پیشین قلمداد نمود که بشر از مدیریت و کنترل رویدادها و حوادث طبیعی عاجز و ناتوان بوده، دولت‌های وقت نیز تنها در قالب نبرد با محیط زیست به سیاست‌گذاری می‌پرداختند!

اکنون در دهه ۲۰۲۰ میلادی که بسیاری آن را عصر پیشرفت و فناوری نامیده و بشر را در اوج توانمندی و آفرینش وضعیت‌های جدید می‌دانند، جهان و بقای بشر بار دیگر در آستانه یک نظم نوین جهانی بسیار مبهم و رازآلود قرار گرفته است که تمامی قدرت‌های بزرگ و کوچک را به چالشی فراگیر کشیده و تهدید می‌نماید.

این نظم نوین جهانی دهه ۲۰۲۰ را می‌توان نظم نوین اقلیمی جهان نام نهاد که بسیار فراتر از نظم‌های جهانی سیاسی و اقتصادی است. این نظم نوین اقلیمی جهانی که همراه با شورش‌ها، آشوب‌ها و انقلاب‌های منطقه‌ای و جهانی است و با انقلاب جهانی کروناویروس نیز تقویت شده است را می‌توان در چند محور مورد بررسی قرار داد:

یکم - نظم نوین جهانی و بازگشت به سیاستگذاری‌های طبیعت‌ستیز: دهه‌ها از سیاستگذاری توسعه‌گرا بر محور مدرنیزاسیون می‌گذرد، سیاستگذاری که اکنون مدرنیته نام گرفته است و خود مؤلفه‌ای از چرخه نظم نوین جهانی بوده است. در این فرآیند است که سیاستگذاران برای کسب، حفظ و افزایش قدرت خود به تهاجم و ستیز با طبیعت و محیط زیست پرداخته‌اند.

سیاستگذارانی که برای تحقق اندیشه نظم نوین جهانی خویش به ساخت و تولید گسترده تسلیحات و جنگ‌افزارهای کشتار جمعی، شیمیائی و اتمی با قدرت تخریب محیط زیست پرداختند. جنگ نفت در سراسر جهان را رونق داده و آتش‌زدن چاه‌ها و میادین نفتی را به تاکتیک جنگی بدل نمودند. برای قدرت‌نمایی به دخالت در فضا و نظامی نمودن فضا با سیاستی مانند جنگ ستارگان اقدام نمودند. فعالیت نظامی و تولید نفت در مناطق زیست‌کره و خاص برای کنترل دمای جهانی مانند: آلاسکا، سبیری، کانادا و ... را گسترش دادند!

این سیاست‌های ظاهراً توسعه‌گرایانه که نیت بلندپروازانه سیاستگذاران جویای آرمان نظم نوین جهانی را نشان می‌دهند، همگی بر طبیعت‌ستیزی و تخریب محیط زیست استوار هستند. سیاستگذاران نظم نوین جهانی برای تحقق نظرات خود به سیاست‌های تخریبی علیه محیط زیست بشر متوسل شده و گویا به سیاست‌های انسان‌های اولیه در دوران باستان برگشته‌اند که تنها از طریق مقابله با طبیعت می‌توانند به حکمرانی خود ادامه دهند.

دوم - فرافکنی سیاستگذاری نابسامان به سوی اکوتروریسم: در حالی که چند دهه از هشدارهای مکرر دانشمندان و کارشناسان محیط زیست و هواشناسی پیرامون بحران‌ها و فجایع آب و هوایی کنونی می‌گذرد، برخی از سیاستگذاران ناتوان تلاش دارند تا ناکارآمدی و خطای خود در سیاستگذاری را به اقدامات تروریستی و ضد دولتی مخالفین حکمرانی خویش معطوف نمایند!

اصل دخالت عامل انسانی در آتش‌سوزی‌های کوچک و بزرگ را نمی‌توان انکار نمود و حتی احتمال عمده بودن این حوادث نیز وجود دارد، اما بهره‌گیری از برچسب یا بهانه اکوتروریسم برای همه آتش‌سوزی‌های بزرگ کنونی در ترکیه، یونان، ایران، آمریکا، اسپانیا و ... را باید نوعی فرافکنی سیاستگذاران برشمرد.

اینکه آتش‌سوزی‌های بزرگ ترکیه را تروریستی و اقدام حزب کارگران کردستان ترکیه (۲) (معرفی، آتش‌سوزی‌های جهنمی یونان را خرابکاری برخی شهروندان ترکیه معرفی، آتش‌سوزی‌های فراگیر کالیفرنیا را اقدام یک شهروند ایرانی یا روسی معرفی نموده و ... را نمی‌توان دلایلی مناسب برای توجیه نابسامانی و ناتوانی سیاستگذاری‌های دولت‌های مذکور در مقابله با این‌گونه حوادث به‌خصوص کنترل و مدیریت آتش‌سوزی‌های اخیر قلمداد نمود.

اگر آتش‌سوزی‌های اخیر را اقدام تروریستی بدانیم همان‌گونه رسانه‌های دولتی ترکیه مطرح نموده، به‌ویژه رئیس‌جمهور این کشور رجب طیب اردوغان مدعی می‌شوند که: آتش‌سوزی‌های جنگلی یک تهدید بین‌المللی مانند کووید-۱۹ است که تمام جهان با آن مقابله می‌کند، حتی یک تهدید تروریستی است. ۳، سیل و سیلاب‌های مکرر و شدید در تمام فصل

سال و حتی خارج از فصل بارش را باید نتیجه و پیامد چه فرآیند یا رویداد تروریستی بدانیم؟ وقوع سیل‌های بی‌سابقه و خسارات بار در نقاط مختلف جهان که برخی از آنها همزمان با آتش‌سوزی‌های بزرگ در یک کشور بودند مانند سیل‌های ابتدای مرداد ۱۴۰۰ در ترکیه، ایران، هند، افغانستان و ... یا سیل‌های تاریخی در اروپا به‌خصوص آلمان و بلژیک با حدود ۲۰۰ نفر کشته و میلیاردها یورو خسارت مالی و سیل در جنوب هند با بیش از ۱۳۰ کشته و آوارگی میلیون‌ها نفر که درگیر کروناویروس نیز بودند را دیگر نمی‌توان با فرافکنی به اقدامات تروریستی مرتبط نمود، بلکه آنها جلوه‌های یک شورش و آشوب اقلیمی هستند که نمادی از نظم نوین اقلیمی جهانی محسوب می‌شوند.

سوم - پذیرش آشوب و انقلاب اقلیمی یا نظم نوین جهانی: تغییرات شدید، گسترده و مکرر اقلیمی با اثرگذاری فراگیر بر محیط زیست بشر و حتی نظام بین‌المللی و حکمرانی دولت‌ها را می‌توان مؤلفه‌ای از یک شورش، آشوب یا انقلاب اقلیمی بی‌سابقه در تاریخ قلمداد نمود که نسل کنونی بشر که مدعی اوج رشد و توسعه قدرت و فناوری است نیز از مقابله و مدیریت آن عاجز شده و تسلیم نیروی مرگبار آن شده است!

اگر امید داشته باشیم انقلاب ویروس کرونا که خود نظم نوینی در زندگی بشر بنا نموده و اکنون با ظهور سویه‌های جدید مانند دلتا، حتی به واکسن یا پادزهر خود نیز غلبه نموده، به تهدید اصل بقای بشری نیز پرداخته است را طی سال‌ها و شاید یک دهه آینده مدیریت و کنترل نمائیم، مقابله و کنترل شورش‌ها و آشوب‌های انقلاب اقلیمی فراتر از سیاستگذاری‌ها و اهداف حکمرانی نابسامان کنونی جهانی نشان می‌دهد.

نظم نوین جهانی که اکنون در آن گرفتار شده‌ایم را می‌توان در آتش‌سوزی‌های جهانی در ترکیه، یونان، ایتالیا، اسپانیا، جمهوری آذربایجان، ایران، آمریکا، الجزایر یا خشکسالی شدید در قزاقستان، ایران و ... که سبب مرگ احشام و حیوانات از بی‌آبی و گرمای شدید شده است به خوبی مشاهده نمود.

آتش‌سوزی بیش از ۳.۵ میلیون هکتار از جنگل‌های سبیری روسیه در مرداد ۱۴۰۰ که آن را بیش از کل مجموع آتش‌سوزی‌های سراسر دنیا در سال ۲۰۲۱ برآورد نموده‌اند و اثر آن بر آب و هوای قطب ۴ و کل جهان را می‌توان جلوه‌ای یک نظم نوین جهانی دانست که گویای پایان تاریخ و آخرین نفس‌های جهان کنونی است.

جلوه‌های شورش و آشوب بزرگ انقلاب اقلیمی که نظم نوین جهانی را فراتر از توان و افکار سیاستگذاران و حاکمان قدرتمند جهان، پدید آورده‌اند را در آتش‌سوزی‌های شدید، سیلاب‌های بزرگ می‌توان مشاهده نمود، نظم نوینی که انسان و دانش و فناوری کنونی را نیز به سخره گرفته است.

*

بیش از سه دهه از نظریه سیاسی و ایدئولوژیک پایان تاریخ از فرانسویس فوکویاما می‌گذرد، اما اکنون گویا کره زمین و حیات بشر واقعاً به پایان تاریخ رسیده است. پایان تاریخ و آخرین شانس بقای بشر را می‌توان در ناتوانی علم و فناوری در مقابله با کروناویروس یا در گزارش و هشدار اخیر هیئت بین‌دولتی تغییرات آب و هوایی سازمان ملل () نیز مشاهده نمود که سیاستگذاری جهانی برای تغییر بنیادین در سیاستگذاری آب و هوایی و زیست محیطی دولت‌های بزرگ و کوچک برای نجات از افزایش ۱.۵ درجه‌ای میانگین دمای جهان تا ۲۰۳۰ و جلوگیری از نابودی این کره خاکی را ضرورتی جهانی اعلام نموده است. ۵.

نظم نوین جهانی یا نظریه پایان تاریخ فرانسیس فوکویاما به عنوان یک نظریه سیاسی و ایدئولوژیک مطرح شده و بر تغییرات بنیادین در سیاست و سیاستگذاری جهانی با تسلط یک قدرت یا محور جدید سیاسی و اقتصادی اصرار داشتند. اما در حال حاضر این دو نظریه به درستی بر وضعیت جهان کنونی و چالش بقای بشر دلالت دارد که گویا جهان در شرایط بحرانی برگشت‌ناپذیر در پایان تاریخ زمین قرار گرفته است.

**

ناتوانی سیاستگذاران ارشد جهانی از مقابله و کنترل چالش‌ها و بحران‌هایی مانند کروناویروس و تغییرات اقلیمی شدید کنونی که به شورش، آشوب و انقلاب اقلیمی گرایش دارند را می‌توان جلوه‌ای از برگشت بشریت از قله پیشرفت و توسعه به سوی دره‌های تاریک تاریخ زندگی بشریت دانست. گویا بشریت بعد از صعود به نوک قله دانش، فن‌آوری و پیشرفت خود، اکنون در حال سقوط است. تمدن و هویت جهانی نیز در وضعیت بحرانی قرار گرفته است و انسان‌ها از بلایای طبیعی سرگردان شده‌اند!

نظم جهانی در حال زوال و فروپاشی است. زوال و فروپاشی نظم جهانی مترادف با شورش، آشوب و انقلاب اقلیمی و تهدید بقای بشر است که سبب زوال قدرت و پرستیژ دولت‌های مقتدر جهانی و منطقه‌ای است که به سوی خودکامگی سیاستگذاری جهانی نیز رهنمون می‌شوند. سیاستگذاری جهانی نیازمند تغییرات بنیادین است:

- کاهش هزینه‌های نظامی و تسلیحاتی و تخصیص این هزینه‌ها به بهبود فن‌آوری‌های صنعتی، کشاورزی و اقتصادی
- تخصیص هزینه‌های سیاست‌های بلندپروازنه فضایی به حفظ کره زمین برای زندگی بشر به جای توجه به تصرف و زندگی در سایر سیاره‌های ناشناخته و غیرقابل سکونت کهکشان

- کاهش دخالت توسعه‌طلبانه در طبیعت و محیط زیست به‌خصوص تغییر در میزان و نوع مصرف منابع انرژی
- سرمایه‌گذاری جهانی برای توسعه و بهبود فن‌آوری تهیه و تولید آب شیرین و کاهش سهمیه آب طبیعت و سایر جانداران

- کنترل و کاهش سیاست‌های طبیعت‌ستیز جهانی و رهایی جنگل‌ها از سیاست‌های اقتصادی تخریبی

و ...

با توجه به فرآیند کنونی جهان که در آستانه نظم نوین اقلیمی جهانی و وحشت پایان تاریخ قرار دارد، تغییر فوری، گسترده و الزام‌آور در سیاستگذاری جهانی برای رهایی از وحشت عصر کنونی ضرورت دارد. شرایط کنونی به خصوص کروناویروس و انقلاب اقلیمی در سراسر جهان که حتی اروپا و ایالات متحده آمریکا نیز در برابر آنها به زانو درآمده‌اند را می‌توان جلوه‌ای از پایان نظم کنونی جهان، ورود به نظم نوین جهانی دانست که اگر به خوبی فهم و درک نگردد، به پایان تاریخ نیز منتهی می‌شود.

- ۱- ازکریا، فرید. جهان پساآمریکایی. ترجمه احمد عزیزی. تهران. هرمس. ۱۳۹۳. چاپ دوم. ص ۳۹
- ۲- روزنامه دیلی صباح. ۱۰ مرداد ۱۴۰۰. به آدرس: /-----//..//:
- ۳- خبرگزاری آناتولی. ۱۳ مرداد ۱۴۰۰. به آدرس: //...//۲۳۲۴۷۹۰:
- ۴- خبرگزاری یورونیوز. ۱۹ مرداد ۱۴۰۰. به آدرس: //..//۲۰۲۱/۰۸/۰۹/-----:
- ۵- سایت هیئت بین‌دولتی تغییرات اقلیمی. ۱۸ مرداد ۱۴۰۰. به آدرس: /-----//..//۲۰۲۱/۰۸/۰۹/۶-۱-۲۰۲۱۰۸۰۹-: